

تاریخ وصول: ۸۵/۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۱/۲۷

«آداب پرورش کودک در عرفان»

دکتر کرم عبادی جوکنندان^۱

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلیخال

چکیده:

کودک عطیة الهی، باغ وجود آدمی و مایه سرور و خیر و برکت خانواده و عزت و سربلندی جامعه و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد. وجود والدین و دوستان نیکوکار، استادان و معلمان فرهیخته، آموزش و پرورش در کودکی زبان کودک و بازی کودکانه، توجه به میزان توانایی کودکان، و نیازهای عاطفی و خواسته‌های منطقی آنان، طهارت و پاکی نفس و ... جلوه‌هایی برجسته‌ای هستند از آداب تعلیم و تربیت کودک که در رشد و بالندگی آنان بسیار تأثیرگذار است.

کلید واژه‌ها:

ادب، تعلیم، تربیت، مرید و مراد، اطفال طریقت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- Ebadi_aukh1@yahoo.com

پیشگفتار

کودک، تحفه آسمانی و گلی از گلستان بهشت و نعمتی گرانبهاست که مایهٔ روشنی دیدگان پدر و مادر و سرور و شادی و خیر و برکت خانواده می‌باشد و همچون چشمه‌ای جوشان با آبی زلال و مصفا که باغ وجود پدر و مادر از آن سبز و خرم می‌گردد و تازگی و نشاط می‌یابد:

تاز فرزند، آب این چشمه شتاب می‌رود سوی ریاض مام و باب
تازه می‌باشد ریاض والدین گشته جای عینشان زین هر دو عین^۱

حضرت حق جل جلاله را نسبت به فرزند لطف و عنایت خاصی است و مهربانی او از مهر مادر نیز نسبت به فرزند بیشتر است که همو این مهر و محبت را در دل مادر کاشته است:
حق هزاران صنعت و فن ساخته است تا که مادر بر تو مهر انداخته است^۲

کودک راز نهفته پدر و حامل اسرار اوست. «الولد سرّ ابيه» و از این روست که پیامبر بزرگی چون حضرت زکریا(ع) در سن پیری از خداوند در خواست می‌کند فرزندی به او عنایت فرماید تا حامل سر او باشد و کار او را که ذکر و دعوت به سوی حق بود ادامه دهد.^۳
و از آنجایی که عزت و سربلندی و رشد و شکوفایی جامعه، مرهون وجود کودکان شایسته‌ای است که در آینده متصدی امور گوناگون خواهند بود، اهتمام جملهٔ نیکان عالم از

۱- شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر ششم، ص ۹۳۱.

۲- همان منبع، دفتر سوم، ص ۱۰۱.

۳- فصوص الحکم، ص ۶۳۸.

انبیاء و اولیای الهی، علما و صلحا، فرزندگان، اساتید، معلمان، پدران و مادران نیکوکار و ... پرورش کودکانی سالم و صالح بوده است.

با توجه به اهمیت موضوع و لزوم به کارگیری شیوه‌های گوناگون امر تعلیم و تربیت کودکان و فقدان یک اثر مستقل که آن را با نگرش عرفانی که با لطافت و ظرافت روحی، صفا و صمیمیت و سادگی و یکرنگی آنان سنخیت بیشتری دارد مورد بررسی قرار داده باشد؛ این مقاله بر آن است که با الهام از مفاهیم عالی‌ه عرفانی و با مراجعه به متون ادبی و اخلاقی و عرفانی به تحقیق بپردازد و امید هست که نتیجه آن بتواند گامی هرچند کوتاه در تحقق اهداف مورد نظر بردارد و در تأمین سعادت فرزندان مفید واقع شود.

والدین و هم‌نشینان نیکو

تولد کودک در دامان یک خانواده، حقیقتاً مایه شادمانی و روشنی دیده و دل پدر و مادر و اطرافیان است و حتی انتظار تولد او نیز شادی آفرین و مسرت بخش است و چنین است که تبریک و تهنیت دوستان و آشنایان را به دنبال خود دارد و همگان سعی می‌کنند که در رساندن این خبر خوش از یکدیگر سبقت بگیرند و شتاب در آن از جمله فضائلی است که روابط فامیلی را گرم و صمیمانه می‌کند و استحکام می‌بخشد. و متعاقب آن جشن و مهمانی بر پا می‌شود و گوسفندی برای او ذبح می‌کنند و حق تعالی را به خاطر این نعمت آسمانی شکر می‌کنند. و همه اقداماتی را که برای پرورش جسم و روح کودک لازم باشد از قبیل گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، تغذیه از شیر مادر و انتخاب نام نیکو برای او را با طیب خاطر و علاقه قلبی انجام می‌دهند.

از آنجایی که والدین به عنوان نخستین الگو و سرمشق کودکان بوده و بیش از هر کس دیگر از آنها تأثیر می‌پذیرند، ضروری است که خودشان به ادب و اخلاق نیک آراسته گردند و از رذایل و صفات ناپسند دوری گزینند تا نمونه‌ای والا و شایسته برای فرزندان‌شان باشند. نگاهی گذرا به زندگی بزرگان، به خوبی بیانگر این حقیقت است که چگونه روشن‌بینی و مهربانی و پارسایی پدران و مادران در رشد و شکوفایی استعداد کودکان و رسیدن آنان به قله‌های رفیع انسانیت، تأثیر شگرف و حیرت‌آوری داشته است.

همچنین از حقوق مسلم کودکان، وجود هم‌نشینان نیکویی است که با مجالست و همراهی آنان به مراتب کمال برسند و از خوی و خصلت ناپسند رهایی یابند و احوالشان نیکو گردد.

بنابراین لازم است کودک در دوران کودکی با کودکان دیگر همسن و سال خود معاشرت و هم‌نشینی سالم و دوستی و رفاقت صادقانه و سازنده داشته باشد و در چنین مواردی بهتر است والدین، دوستی صادق و صالح برای کودک خود انتخاب کنند و در سلوک و رفتار گردهمایی دسته جمعی کودکان نظارت و مراقبت نمایند و کاملاً حرکات آنان را سرپرستی و در زیر نظر داشته باشند. و باید والدین به طور مستمر با مسئولان و معلمان کودکانشان در سطح مدارس در تماس کامل باشند و با آنان جلسات متعدد تشکیل دهند و نسبت به رفع نقایص و پیشرفت علمی و اخلاقی کودکان با ایشان تشریک مساعی داشته باشند.^۱

شتاب در پرورش کودکان

آنچه را که انسان در دوران کودکی می‌آموزد، قوی تر و در حافظه‌اش راسخ‌تر و ماندنی‌تر است از آنچه در دوران بزرگسالی می‌آموزد. چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مثل الذی يتعلم العلم فی صغره کالتنقش علی الحجر و مثل الذی يتعلم العلم فی کبره کالذی یکتب علی الماء». مثل کسی که علم و دانش را در دوران کودکی و نوجوانی می‌آموزد به مانند نقش پذیری بر روی سنگ است. و مثل کسی که در دوران پیری و بزرگسالی علم می‌آموزد به مانند کسی است که بر روی آب می‌نویسد:^۲

خویش را تعلیم کن عشق و نظر کان بود کالتنقش فی جرم الحجر

و لذا حضرت علی (ع) در پرورش کودکان شتاب ورزیده و در نامه‌ای به امام حسن (ع) در باب تربیت کودکان و نوجوانان به مطالب ارزنده‌ای اشاره می‌فرماید که ترجمه آن در اینجا ذکر می‌گردد:

چون قلب نوجوانان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد. سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم، و ناشناخته‌های آنان را دور کردم، پس آنگونه که پدری مهربان

۱- تربیت فرزندان، ص ۵۱۱

۲- همان منبع، ص ۳۴۱.

نیکی‌ها را برای فرزندش می‌پسندد، من نیز بر آن شدم تو را با خوبی‌ها تربیت کنم، زیرا در آغاز زندگی قرارداری، تازه به روزگار روی آورده‌ای، نیتی سالم و روحی با صفا داری.^۱ از جمله از بزرگانی که به امر تعلیم و تربیت کودکان، عنایت خاصی داشته و در آثار متعدد خود به تفصیل به آن پرداخته، امام محمد غزالی فقیه، صوفی و متکلم معروف است، چنانکه در کیمیای سعادت گوید:

بدانکه فرزند امانتی است اندر دست پدر و مادر، و دل وی پاک است چون جوهر نفیس، و نقش‌پذیر چون موم، و از همه نقشها خالی است، و چون زمین پاک است که هر تخم که اندر وی افکنی بروید، اگر تخم خیر افکند به سعادت دین و دنیا رسد، و مادر و پدر و معلم اندر ثواب شریک باشند، و اگر به خلاف این بود بدبخت باشد و ایشان بر هر چه برایشان رود شریک باشند که حق تعالی همی گوید: «قوا انفسکم و اهلیکم ناراً» خودتان و کسانتان را از آتش نگاه دارید و نگاه داشتن وی آن بود که وی را به ادب دارد و اخلاق نیکو به وی آموزد، و از قرین بد نگاه دارد، که اصل همه فسادها از قرین بد خیزد و او را اندر تنعم و جامه نیکو آراستن خو نکند، که آنگاه از آن صبر نتواند کردن، و همه عمر در طلب آن ضایع کند. بلکه پاکی آن در ابتدا جهد کند. تا آنکه وی را شیر دهد بصلاح و نیکو خوی و حلال خوار بود، که خوی بد از دایه سرایت کند، و شیر که از حرام حاصل آید پلید بود، و چون گوشت و پوست کودک از آن بروید طبع وی را از آن مناسبتی پدید آید که پس از بلوغ ظاهر شود، و چون زبان وی گشاده گردد، باید که سخن وی الله باشد و این وی را تلقین کنند.

باید نامی نیکو بر وی نهد و ادب خوردن بیاموزد تا به دست راست خورد و بسم الله گوید و با شتاب نخورد و کودک با ادب را ثنا گوید. و چون هفت ساله شد به طهارت و نماز فرماید و دزدی و دروغ و حرام خوردن را در چشم او نکوهد. و چون به دبیرستان شود، قرآن بیاموزد، آنگاه به اخبار و حکایات پارسایان و سیرت صحابه و سلف مشغول کند. و چون کودک کاری نیک بکند و خوی نیکو بر وی پدید آید، وی را اندر آن مدح کند و به او چیزی بدهد تا شاد شود و در پیش مردمان بر وی ثنا کند و اگر خطائی کند یک بار و یا دو بار نادیده انگارد، که اگر بسیار به او گفته شود دلیر گردد و آشکارا بکند.

و پدر باید که حشمت خود را نزد وی نگاه دارد و مادر وی را از پدر بترساند و نگذارد که روز بخسبد که کاهل شود و شب بر جای نرم نخواباند تا تن وی قوی شود؛ و از بازی باز ندارد تا دلتنگ نشود و از آن بدخوی و کور دل شود. او را بیاموزند که با همه تواضع کند و با ادب بنشیند و بسیار نگوید و سوگند نخورد و تا نپرسند سخن نگوید و به بزرگتران احترام بکند.^۱

همچنین وی در کتاب احیاء علوم الدین خود، در آداب متعلمین به نکات ارزنده‌ای اشاره می‌کند که رعایت آنها در شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیر بسزایی دارد از جمله: طهارت و پاکی نفس است از خوی‌های بد و صفتهای نکوهیده، چه، علم آبادانی دل است برای تقرب به حق تعالی و آن درست نیاید مگر به پاکی از اخلاق و اوصاف ناپسند. دیگر اینکه: علایق خود را از دنیا کم کند زیرا اگر اندیشه پراکنده گردد، از دریافت حقایق ناتوان گردد. و همچنین تکبر نکند و در برابر معلم متواضع و فروتن باشد و نیز آنکه چون عمر آدمی برای احاطه بر تمامی علوم کفایت نمی‌کند پس، از هر چیزی خوبتر آن را بگیرد ولی تمام سعی خود را در استکمال علمی که شریف‌ترین علم است مصروف بدارد و شریف‌ترین علمها، معرفت حق تعالی و فرشتگان و پیامبران اوست و دانستن طریقی که بدین علمها برساند. و آخر اینکه هدف و قصد متعلم، آراستن باطن و تقرب به حق تعالی در جوار فرشتگان و مقربان باشد.

و برخی از آدابی که برای معلمان و مربیان لازم دانسته است عبارتند از: شفقت و مهربانی با متعلمان، برای آموختن علم اجری نخواهد و منت نگذارد و بلکه برای رضای خدا و به قصد قربت به او بیاموزد. و از نصیحت و پند و اندرز او دریغ نکند و به مقدار فهم او بگوید. دیگر آنکه به علم خود عمل کند. پس هر که بداند و بر آن کار کند و دیگری را بیاموزد، او آن است که در ملکوت آسمان وی را عظیم خوانند، و آن چون خورشید در نفس خود روشن است و روشنی بخش دیگران است، و چون مشک خوشبوی است و خوشبوی کننده.^۲

۱- کیمیای سعادت، ص ۴۴۶ - ۴۴۴ باختصار.

۲- احیاء علوم الدین، ربع دوم، ص ۱۳۸-۱۱۷.

آداب مرید و مراد

رعایت آداب تعلیم و تربیت خاصه در عرفان دارای اهمیت بسیاری است، هم برای معلم و استاد که اصطلاحاً شیخ و مراد و پیر نامیده می‌شود و کسی است که مراتب کمال را طی کرده و توانایی ارشاد و راهنمایی را دارد و هم برای مرید (سالک الی الله)؛ چنانچه در مصباح الهدایه کاشانی آمده «... مرید را مراعات آداب شیخ از اهم آداب است ... حق تعالی همواره به نظر رحمت و عنایت و رعایت به دل‌های دوستان خود می‌نگرد، پس بواسطه استقرار و تمکن در دل شیخ برکات تواتر آثار رحمت الهی و تعاقب نوازل فیض نامتناهی وجود او را شامل گردد. از مولوی است:

شیخ کو ينظر به نور الله بود از نهایت و ز نخست آگه بود
شیخ نورانی زره آگه کند با سخن هم نور را همره کند^۱

شیخ طریقت، استاد کیمیایی معنوی است؛ بدین ترتیب وی می‌تواند ماده پست روح سالک تازه وارد را به طلای ناب متحول سازد ... وجود پیر چون آینه‌ای است که خداوند در مقابل سالک طریقت قرار می‌دهد تا چگونگی درست رفتار کردن ادب عرفانی را به وی بیاموزد.^۲
عین القضاة همدانی گوید: «ای دوست بدانکه هر کاری که پیر، مرید را فرماید خلعتی است الهی که بدو دهند.»^۳
و حافظ می‌فرماید:

نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تدرارند جوانان سعادت مند پند پیر دانا را

بنابراین بر عهده پدران و مادران و مربیان است که کودکان را به زیور ادب و اخلاق نیک بیارایند به نحوی که در هنگام برخورد با پدر و مادر خود، معلمان و اساتید، دوستان و همسایگان و نیز در انجام عبادات و فرایض دینی چون نماز و روزه، ذکر، دعا، قرائت قرآن و اقامه نماز جماعت و نیز هنگام خوردن طعام، در پوشیدن لباس، حضور در کلاس‌های درس، در حضر و سفر و به طور کلی در تمامی حرکات و سکنات خود، رعایت ادب را بنماید، تا

۱- انسان آرمانی و کامل، ص ۲۲۹.

۲- ابعاد عرفانی اسلامی، ص ۳۹۵.

۳- تمهیدات ص ۳۵.

بتواند از مواهب آنها بهره‌مند گردد. و لذا شایسته است که کودکان را همان خود به مساجد، محافل علمی و ادبی، مجالس بزرگان دینی، عیادت از بیمار، حضور در مجالس مهمانی و ... ببرند تا عملاً با آداب مربوطه آشنا گردند و به کار بندند.

انتخاب معلمان متعهد و متخصص و نیکوکار و شایسته در تقویت بنیه علمی و اخلاقی کودکان بسیار مؤثر است و در گذشته مرسوم بوده است که هرگاه از وجود چنین معلمی، ولو در جاهای دور دست با خبر می‌شدند، رنج سفر را بر خود هموار می‌ساختند و با تحمل مخارج سنگین، به حضورش می‌رسیدند و سالها به خدمت او مشغول می‌شدند تا اینکه لیاقت شاگردی او را پیدا کنند و پس از آن در مدت کوتاهی مراتب علمی را طی کرده و به مدارج عالی می‌رسیدند.

و همچنین شیوه تعلیم و تربیت کودکان به این صورت بوده که به منظور استحکام باورهای دینی و القای محبت انبیاء و اولیای الهی، آراسته شدن به فضایل اخلاقی و ادب و مهارت در زمینه‌های گوناگون علمی و تخصصی، نخست به آموزش قرآن کریم و احادیث شریفه مبادرت ورزیده و آنگاه با متون ادبی و اخلاقی و عرفانی مانند گلستان سعدی و مثنوی مولانا و ... آشنا می‌شدند و در ضمن آشنایی با زندگی بزرگان دینی و علمی ادوار گذشته و حکایات شیرین و آموزنده از فرزندان و پارسایان و نیکان، گوهر جانیشان را صیقل داده و با قلبی پاک و صاف همچون آینه، به آموزش دروس تخصصی خود مشغول می‌شدند، و لذا شایسته است شیوه مذکور یک بار دیگر مورد عنایت قرار بگیرد تا شاهد شکوفایی مجدد اندیشمندان اسلامی در عرصه‌های گوناگون علوم و تکنولوژی و مجموعه معارف بشری باشیم.

زبان کودکی

امری واضح است کودک نیز به مانند هر موجودی از موجودات زنده دارای توانایی جسمی و روحی محدودی است که قادر به تحمل و درک مسائل خارج از آن نمی‌باشد و از جهت دیگر عقل و فکر او پیوسته در حال رشد و توسعه می‌باشد. از این رو پی بردن والدین و مربیان به درجه رشد و میزان توسعه عقل و فکری که کودک بدان رسیده است، حل بسیاری از مشکلات را بر آنان سهل و آسان می‌گرداند؛ زیرا در چنین حالتی است که به خوبی می‌دانند

چه وقت کودک را طرف سخن قرار دهند و چه کلماتی را برای او به کار برند تا افکار و خواسته‌های درونی خود را برسانند.^۱

در حدیث شریف وارد شده که با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگویند: کَلِّمِ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ. که بنا به گفته عین القضاة همدانی عارف شوریده ایرانی، «پندی تمام است».^۲
با یار نو از غم کهن باید گفت با او به زبان او سخن باید گفت^۳

محیی الدین ابن عربی ملقب به شیخ اکبر در خصوص تربیت کودکان به یک نکته بسیار ظریفی اشاره می‌کند که حکایت از تصرف طفل کوچک در افراد بزرگ دارد. به نحوی که از مقام خود پایین می‌آیند و با او بازی می‌کنند و به مرتبه دانش او به پایین می‌آیند و به زبان او سخن می‌گویند:

بهر طفل نو پدر تی تی کند گر چه عقلش هندسه گیتی کند
از پی تعلیم آن بسته دهن از زبان خود برون باید شدن

در کیمیای سعادت نیز آمده که: نباید برای کودک از اسرار و دقائق آداب سخن گفت و بلکه باید با وعده‌های متناسب با توانایی‌ها و میزان درک او به رعایت ادب در عبادت و تکالیف تشویق نمود و هرگاه کودک بالغ شد اسرار آداب با وی گویند که مقصود از طعام آن است که بنده را قوت باشد که برآنکه عبادت خدای تعالی کند، و مقصود از دنیا زاد آخرت است، که دنیا با کسی نمی‌ماند و مرگ بزودی و ناگاه درآید، و نیک بخت آن بود که از دنیا زاد آخرت بگیرد تا بهشت و خشنودی حق تعالی رسد و چون ابتدا با ادب پرورند این سخنها چون نقش اندر سنگ باشد.^۴

بنابراین هرگاه کودکان به درس خواندن تمایل نداشته باشند، بزرگتران برای تشویق او پاداش‌های نازلی را به او وعده می‌دهند، و هرگز به او نمی‌گویند اگر درس بخوانی افلاطون و ابن سینای زمان می‌شوی و در نتیجه بسیاری از دقائق علمی و فکری را می‌گشایی.

۱- تربیت فرزندان از دیدگاه پیامبر، ص ۴۹۷.

۲- تمهیدات عین القضاة همدانی، ص ۶.

۳- مرصاد العباد، ص ۱۵.

۴- کیمیای سعادت، ص ۴۴۶.

چونکه با کودک سر و کارت فتاد هم زبان کودکان باید گشاد

این شعر شیرین مولانا در بیان روایت شریفی از حضرت علی(ع) است که می‌فرماید: کسی که کودکی دارد باید در راه تربیت او خود را تا سرحد کودکی تنزل دهد.^۱

بازی کودکانه

طبیعی است بازی کودکانه با کودک و خود را در ردیف او قرار دادن به روح و روان او رشد و نمو می‌دهد و او را بر اظهار حالات درونیش یاری می‌دهد چنانکه پیامبر اکرم (ص) با امام حسن و امام حسین(ع) بازی می‌کرد و آنان را بر دوش می‌گرفت و راه می‌رفت که دلالت بر اهمیت بازی کردن والدین با فرزندان خردسال خود، و نشانه اهتمام ورزیدن پیامبر اکرم(ص) است به اینکه والدین با حالت کودکانه با خردسالان بازی کنند.

از ابن مسعود روایت شده که پیامبر اکرم(ص) نماز می‌خواند و وقتی به سجده می‌رود امام حسن و حسین(ع) بر روی پشت او می‌پریدند افراد حاضر در آنجا می‌خواستند آنان را از این کار باز دارند، اما پیامبر(ص) اشاره می‌کرد که آنان را بگذارند و وقتی نماز را خواند، آن دو را در آغوش خود گذاشت و فرمود: *مَنْ أَحَبَّنِي فَلْيَجِبْ هَذَيْنِ*، هر کسی مرا دوست دارد باید این دو را دوست بدارد.

و نیز روایت شده است که رسول اکرم (ص) در مسجد نشست و زانوهایش را به شکم خود چسباند سپس فرمود: *کوچولو «مراد امام حسن (ع)»، که جاست؟ کوچولو را برایم صدا کن. ناگهان امام حسن(ع) آمد و با سرعت خود را در آغوش آن حضرت انداخت، سپس دستش را در ریش مبارک گذاشت بعد حضرت(ص) دهان خود را باز کرد و دهان حسن(ع) را در دهان خود گرفت و بوسید و بعد فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ وَأَحِبَّ مَنْ يُحِبُّهُ» خدایا من حسن را دوست دارم و تو هم او را و هر کس او را دوست می‌دارد، دوست بدار.^۲*

بنابراین بازی با کودک و بوسیدن کودک و مهر و محبت ورزیدن به کودک، سنت پایدار و همیشگی پیامبر اکرم(ص) و اولیای الهی است، به نحوی که وقتی کسی به پیامبر(ص) گفته

۱- علم النفس ، ص ۱۲۹.

۲- تربیت فرزندان از دیدگاه پیامبر (ص) ، ص ۵۲۳ - ۵۲۰.

است: ای رسول خدا من ده فرزند دارم و هیچ کدام را نبوسیده‌ام، از خود رانده است و فرموده است که هر که مهربان و رحم دل نباشد بر او مهربانی و ترحم نخواهند کرد.^۱

کودکان راه معرفت

حضرت مولانا، با عنایت به محدودیت ظرفیت و توانایی های جسمی و روحی کودک و لزوم آموزش تدریجی او یک نتیجه عالی عرفانی می‌گیرد و در مثنوی معنوی می‌فرماید:

باید به اطفال سلوک و کودکان راه معرفت نیز به اندازه توانشان غذای معنوی داد، در غیر این صورت تباه خواهند شد. چنانکه اگر به طفل شیرخواره به جای شیردادن نان بدهند، آن طفل بیچاره از خوردن نان، حتماً خواهد مرد. و همین که این طفل شیرخواره، دندان در آورد، با میل و رغبت نان می‌خورد. همین طور وقتی که اطفال سلوک کم کم قابلیت بیشتری یافتند می‌توانند از غذای معنوی بیشتری تغذیه شوند.

طفل را گر نان دهی بر جای شیر طفل مسکین را از آن نان ، مرده گیر
چونکه دندانها برآرد ، بعد از آن هم به خود طالب شود آن طفل، نان^۲

اطفال طریقت را نمی‌توان یک دفعه به میان دریای حقیقت برد، بلکه لازم است ابتدا آنان را با سایه حقیقت آشنا کرد تا روحشان کمال یابد و تدریجاً قابلیت شهود حقیقت را بیابد. همچنانکه برای کودکان صحبت از اسباب بازی بهتر است. تا به دوران کودکی با آن اسباب بازی سرگرم شود و روح و روانش آهسته آهسته با دریای عقل الهی آشنا شود. اگر چه عقل ظاهراً با بازی های کودکان در نمی‌سازد، ولی کودک از طریق همین بازی به رشد عقلانی و شخصیت خود می‌رسد.

روان شناسان عصر جدید تأکید کرده‌اند که بازی، نقش اساسی در رشد شخصیت اطفال دارد:

تا ز لُعبَت اندک اندک در صبا جانش گردد بایم عقل آشنا
عقل از آن بازی همی یابد صبی گر چه عقلست در ظاهر آبی^۳

۱- اللمع فی التصوف، ص ۲۳۷.

۲- شرح جامع مثنوی، دفتر اول، ص ۱۵۷.

۳- همان منبع، دفتر ششم، ص ۶۰۲.

غزالی نیز معتقد است که بعد از درس مکتب باید به کودک اجازه بازی داد، زیرا تعلیم فوق طاققت قلب را می‌میراند و هوش و ذکاوت کودک را از کار می‌اندازد.

توجه به نیازهای عاطفی، سلامتی و تندرستی، ایجاد روح مساوات و برابری در میان فرزندان خاصه میان دختر و پسر، امر مهمی است که شایسته است مورد عنایت واقع گردد.

ایجاد سرور و شادی در دل کودکان تأثیر شگفت‌انگیزی را می‌گذارد. زیرا کودکان که شکوفه‌های پاکی و صفا هستند، و ابزار شادی نیز می‌باشند، خود آنان نیز سرور و شادمانی را دوست دارند، تعریف و تمجید از کودک، تشویق و تنبیه به موقع، برآوردن خواسته‌های منطقی آنان، پرورش براساس اعتماد به نفس خود و ... در رشد و بالندگی روحی و نشاط روانی مؤثر و از جمله آدابی است که باید در مورد کودکان مراعات گردد.^۱

نتیجه‌گیری

نتیجه حاصل از این تحقیق، گویای اهمیت توجه به تعلیم و تربیت کودک در سیر انسان به سوی سعادت و کمال نهایی و جلب رضایت و خوشنودی خداوند است. کودک، عطیه الهی، شکوفه باغ وجود آدمی، مورد لطف و عنایات حضرت حق تعالی، انبیا و اولیای الهی و جمله نیکان عالم، مایه روشنی دیدگان والدین، سرور و شادی و خیر و برکت خانواده، عزت و سربلندی جامعه می‌باشد، و نیز امانتی است با قلبی پاک و صاف و شفاف، با بیشترین آمادگی برای پذیرش هرگونه نقش و نگار، بنابراین باید بذری نیک در آن افکند و با ادب و اخلاق نیکو پرورش داد. و در این میان وجود والدین و هم‌نشینان، دوستان و به موقع اساتید و معلمان نیکوکار، کتب مفید علمی و اخلاقی، توجه به نیازهای عاطفی و سلامتی و تندرستی، شادی و سرور، تشویق و تنبیه، نحوه برخورد با کودک با در نظر گرفتن ظرفیت وجودی او، بازی و سرگرمی، تقویت بنیه علمی و تخصصی و ... در رشد و تعالی کودک بسیار تأثیر گذار است. لذا شایسته است جهت دستیابی به اهداف مورد نظر به موارد زیر که فهرست می‌گردد. عنایت بیشتری مبذول گردد:

وجود پدران و مادران نیکوکار و روشن ضمیر، انتخاب نامی نیک برای کودک، انتخاب هم‌نشینان نیکو، انتخاب استادان و معلمان نیکو، ارتباط مستمر والدین با مربیان در مدارس

۱- تربیت فرزندان باختصار.

جهت رفع نواقص و پیشرفت علمی و فرهنگی کودک، نظارت در سلوک و رفتار گروهی کودک، پرورش کودک به علم و ادب و اخلاق نیکو، به همراه بردن کودک به محافل دینی و علمی و فرهنگی، تحکیم مبانی دینی و اعتقادی، شتاب در تعلیم و تربیت کودک با توجه به آمادگی دوران کودکی، آموزش قرآن و احادیث، آشنا ساختن با متون ادبی و اخلاقی و عرفانی، بیان داستانهای شیرین و آموزنده از بزرگان، توجه به زبان کودکی و میزان درک و فهم او، توجه به بازی و سرگرمی و ورزش، توجه به تندرستی و پرورش جسمی کودک، تغذیه مناسب و بخصوص شیر مادر، برقراری عدالت و مساوات میان فرزندان خاصه دختر و پسر، تشویق و تنبیه بموقع، تعریف و تمجید از کودک، توجه به خواسته‌های منطقی کودک، ایجاد شادی و سرور در دل کودک و ...



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ۱- آن ماری شیمیل، ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه و توضیحات عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- ۲- ابن عربی، شیخ محیی الدین، فصوص الحکم، شرح خوارزمی، باهتمام نجیب مایل هروی، مولی.
- ۳- خرمشاهی، بهاء الدین، حافظه نامه، سروش، ۱۳۷۲.
- ۴- رازی، نجم الدین، مرصاد العباد، محمد امین ریاحی، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۵- رزمجو، حسین، انسان آرمانی و کامل، امیر کبیر، ۱۳۷۵.
- ۶- زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی، معنوی، اطلاعات، ۱۳۷۸.
- ۷- سراج طوسی، ابونصر، اللمع فی التصوف، ترجمه مهدی مجتبی، اساطیر، ۱۳۸۰.
- ۸- دشتی، محمد، نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام، شاکر، ۱۳۷۹.
- ۹- عین القضاء همدانی، تمهیدات، مقدمه عقیف عسیران، منوچهری، ۱۳۷۳.
- ۱۰- غزالی، ابوحامد، احیاء علوم الدین، خدیو جم، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- ۱۱- غزالی، ابوحامد، کیمیای سعادت، تصحیح احمد آرام، کتابخانه مرکزی، ۱۳۵۲.
- ۱۲- فروزانفر، بدیع الزمان، ترجمه رساله قشریه، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۱۳- میندی، ابوالفضل رشید الدین، کشف الاسرار وعده الابرار، علی اصغر حکمت، امیر کبیر، ۱۳۷۱.
- ۱۴- نورسوید، محمد، تربیت از دیدگاه پیامبر (ص)، مترجم محمد صالح سعیدی، ۱۳۷۸.
- ۱۵- هاشمیان، سید احمد، علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، پیام نور، ۱۳۸۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی